

گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا:

تنها گروه فارسی‌خوان بودیم

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

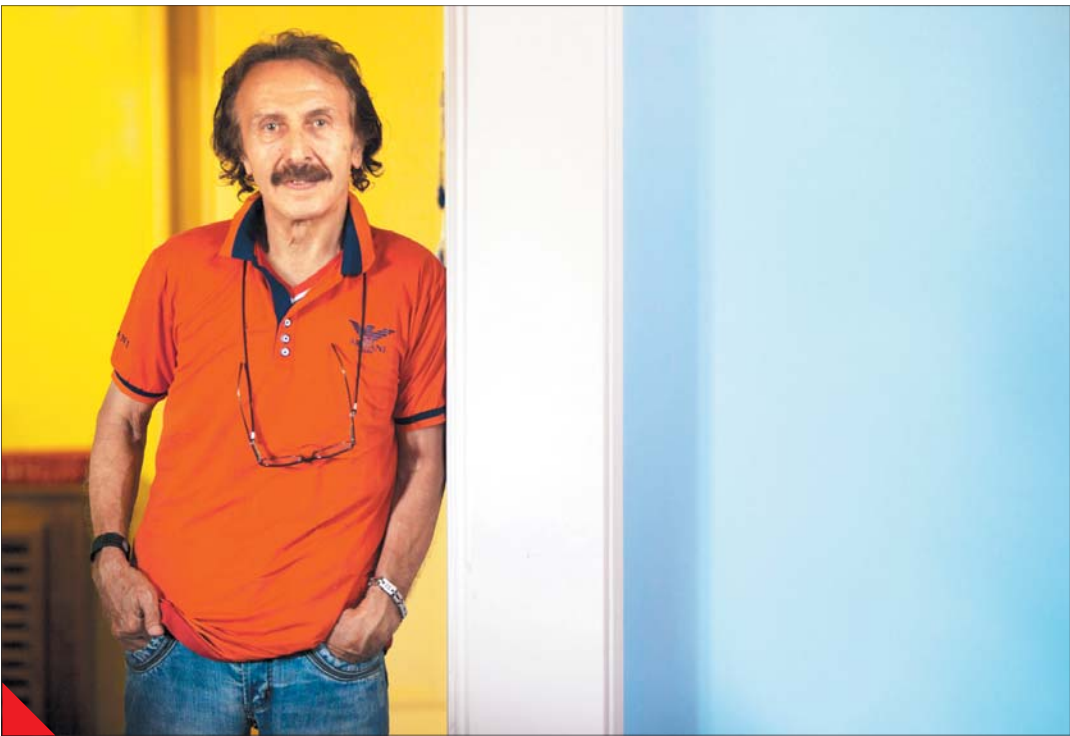
در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.

در این گفت‌وگو با سعید دبیری موزیسین و ترانه‌سرا، به بررسی آثار و سبک این هنرمند می‌پردازیم.



علین: رفوفه رستنی

متعلق به ایران است، مثلا موسیقی غربی نیم‌پرده بوده و کاری در این مورد نکرده‌ایم. تنها کاری که به اشتباه انجام داده‌اند، این است که بعضی‌ها روی نیم‌پرده ریج پرده درست کردند؛ قضیه شترمغ که نه شتر است و نه مرغ. تنها کاری که ما را با گروه‌های دیگر متمایز می‌کرد این است که خودمان آهنگ می‌ساختیم و بقیه کارور می‌کردند. چهار سال در کلدن‌رینگ بودم تا اینکه این گروه منحل شد و به گروه «ریلز» رفتم.

فرهاد، مردی‌مانند موسیقی

ﻻ همان زمان بود که فرهاد در کوچینی می‌خواند؟

بله. فرهاد صدای زیبایی داشت، مثل آمریک گیتار نمی‌زد اما با همان چند آکورد، خیلی از آهنگ‌های معروف را می‌زد و می‌خواند. روزهای جمعه رادیو برنامه‌ای داشت که گروه‌هایی که به‌اصلاح نوآور بودند را دعوت می‌کرد؛ فرهاد آنجا هم برنامه داشت. زمانی که از همسرم «بتی» جدا شدم در خیابان خواجه‌نصیر طوسی (شریعتی فعلی) زندگی می‌کردم و خانه فرهاد در خیابان آمل بود. یک کوچه با خانه من فاصله داشت و چون من مجرد بودم یک کلید به او داده بودم و هر شب حتی زمانی که من خانه نبودم به خانه‌ام می‌آمد و بعضی اوقات آنجا گیتار می‌نواخت و می‌خواند. با اینکه مشکل دارویی داشت اما من از فرهاد چیزهایی دیدم که شاید فقط در قصه‌ها بشنوید. فرهاد استغای روحی عجیبی داشت، یعنی تا اندازه‌ای بی‌پول بود که پول سیگارش را از مادرش می‌گرفت اما حاضر نبود در کلوپ‌های شبانه بخواند. در کوچینی هم که می‌خواند، کوچینی کلوپ نبود، بیشتر پاتوق هنرمندان بود و فرهاد فقط آنجا می‌خواند.

یادم هست در پارک ارم که محل نمایش بود، کنار استخر یک خانم روی صورت یکی از خواننده‌ها اسید پاشیده بود. صاحب آنجا می‌خواست یک نفر را جایگزین خواننده کند و همان شب دو نفر سراغ ما آمدند و یک ساعت با فرهاد صحبت کردند و حتی چک سفید امضا دادند و خواستند به جای آن خواننده بخواند. اما قبول نکرد. با اینکه این‌قدر بی‌پول بود، زیر بار این قضیه نرفت. بعد که دلیل کارش را پرسیدم، گفت: هر کاری که دوست دارم انجام می‌دهم. چند سال قبل هم که فرهاد زنده بود اتفاقی گنرم به خیابان شریعتی افتاد. فرهاد از دیدم که یک دزدشاسه سفید پوشیده و یک کلید بزرگ گردنش انداخته. می‌خواست از خیابان رد شود و من را ببیند که همان زمان مأموران او را به‌عنوان متعادل گرفتند. همیشه این‌شکلی بود، یک پیراهن سفید روی شلوار سفیدش می‌انداخت و یک کلید بزرگ به گردنش می‌انداخت. یعنی حالت نرمالی نداشت. آن زمان با یک خانم که ظاهرا دکتر بود ازدواج کرده و ترک کرده بود. به مأموران گفتم ایشان خواننده معروف «فرهاد» است. وقتی او را شناختند احترام گذاشتند و رفتند. با هم که صحبت کردیم متوجه شدم منزلش همان حوالی است و وقتی تلفنش را خواستم، گفت نمی‌توانم تلفنم را به تو بدهم. تلفن همسرش را داد و گفت با همسر تماس بگیر و ایشان اگر خواست تلفن من را به تو می‌دهد. تا این حد استعار شده بود. البته خوب بود چون ترک کرده بود و به بیمارستان‌های ترک اعتیاد سر می‌زد و کمک می‌کرد.

-
-
-

ترانه زمستان حدودا سال ۵۵ به بار نشست.

در اصل این ترانه را تحت‌تاثیر دوران کودکی‌ام و فقر خانواده‌ام نوشته بودم. گاهی شما زمستان را در اسکی و کنار شومینه تجربه می‌کنید، اما برای من با کتانی پاره دنبال یک توپ پلاستیکی می‌دویدم و پایهای یخ می‌کرد و خانه گرمی نداشتم. این‌طور نبود. درواقع این ترانه برای

من کاملا شخصی بود

-

سیمین غانم و عماد رام….

ﻻ ترانه «فلک چشات» هم برای شماسست. سیمین غانم در اصل با این ترانه معروف شد؟

الان ستاره‌های موسیقی پاپ هرچه بخوانند دیگر مهم نیست چون معروف شده‌اند. اما اگر بتوان با یک ملودی یک نفر را معروف کرد، مهم است. فریزر لاچینی خیلی مایل بود که آهنگ‌ساز شود. او را نزد فریدون فروغی بردم و گفتم قبلا در گروه «هارد استونز» بوده. از اینجا با هم رفیق شدیم. پس از مدتی رفت‌وآمد یک ترانه از من خواست، سیمین غانم هم از فامیل‌هایشان بود. شعر را به فریزر دادم و شعر «فلک چشات» این‌طور ساخته شد.

ﻻ ترانه «فرنگیس» را خیلی قبل‌تر نوشیتیم. من همیشه فکر می‌کردم این ترانه را اول عماد رام خوانده است….

آهنگ فرنگیس اصلا ربطی به او نداشت. با ارکستر خودش آن را خوانده بود. این‌کار که معروف شد در تلویزیون فرهنگ‌وهنر خواند و گفت تمام آهنگ و ترانه متعلق به خودم است! بعد که ما ناراحت شدیم و خودش هم متوجه اشتباهش شد، گفت من هول شدم! این‌طور معذرت‌خواهی کرد. ما هم فراموش کردیم. بعد فهمیدم کارش همین است، مثلا چند آهنگ که همشهریان از شما شنیده بودند به نام خودش بخش کرده بود.

زمستان و نابغه تنظیم

ﻻ در چه حال‌وهوایی بودید که ترانه «زمستان» را گفتید؟

زمانی که «زمستان» را گفتم، شناخته‌شده بودم. ولیعصر آن زمان مانند طاق‌نصری از درخت‌ها بود. جای کوچکی نزدیک تجریش بود که تراس قشنگی داشت و آقایی هم بود که صدای خوبی داشت و آنجا می‌خواند. یکی از شب‌ها با دوستان به آنجا رفته بودیم موقع حساب‌کردن متوجه شدم همان خواننده که «افشین» هم میز ما را حساب کرده. فکر می‌کنم ما اضافه

هنر

ادامه از صفحه ۱۰

اودریاچه است و آبگیر می‌بینندش

ما باید در فروردین ساعت ۷:۳۰ که تاریک بود شروع می‌کردیم و ۹:۳۰ که خوابگاه دانشجویی آماده بسته‌شدن می‌شد تمام می‌کردیم. یعنی مخاطب اصلی‌مان، دانشجویان را از دست می‌دادیم. دانشجویان دختر که اصلا نمی‌توانستند تا آن ساعت بیرون باشند. این نوع سیاست‌گذاری و هوجی‌گری در تئاتر است و نوع اجرا برای مثال از جخوف بیانگر این نکته هست که نمی‌شود به هر شیوه درستی آنجا کار کرد. جخوف هم در آنجا باید برای خنداندن باشد و در این نگاه تعمدی هست. برای همین اثری که روان باشد و از واقع‌گرایی و سادگی برخوردار باشد و تکیه‌اش بر بازیگر باشد، نمی‌تواند آنجا اجرا شود. معلوم است که در آنجا چه کارهایی باید باشند. قرار نیست سرکار مروژک بلکه هدف آموختن و فایلم ما می‌خواند.

ﻻ کمدی مروژک سیاه است. این موضوع چقدر برای مخاطب ایرانی قابل درک است؟

با طنز سیاه موافق نیستیم، چون در اینجا به معنای سیاه‌انمایی است. کمدی سیاه مثل رمان سیاه که برای رمان‌های پلیسی و جنایی دنیاهای سیاهی در نظر گرفته و نوآر نامیده می‌شود، نیست. حتی با کمدی- تراژدی هم قابل قیاس نیست. ما گونه‌های مختلف کمدی داریم که کمدی سیاه راجع به گروتسک و درشت‌گویی و درشت‌نمایی است. در فرانسه آلفرد راری از ابتدای قرن بیستم گروتسک را نمایان کرده و به نام او خواستم روی این ترانه ملودی بسازد. سیاوش هم گفت چه چیزی به من می‌رسد؟ گفتم اگر مهمانی داشته باشی، افشین برایت می‌خواند. خلاصه یک ملودی برای «زمستان» نوشتم. نزد واروژان رفتم و گفتم یک خواننده هست که معروف نیست اما خیلی زیبا می‌خواند. واروژان قبول کرد کار را تنظیم کند. روز اول موقعی که واروژان به استودیو آمد و افشین را با آن موها دید، از طرز نگاهش متوجه شدم ناراحت است، چون سیاوش هم قیافه جالبی نداشت، البته الان قیافه بهتری دارد. لابد واروژان در دلش گفته اینها مرا به بازی گرفته‌اند. اسم واروژان استرس می‌آورد، خیلی سخت بود که یک جوان ۲۵ساله و گمنام بخواد روبه‌روی واروژان که مدام با ستاره‌های موسیقی کار می‌کرد، بخواند. اما افشین آن‌قدر اعتمادبه‌نفس داشت که بدون اینکه استرس داشته باشد، خواند و واروژان با لهجه ارمنی گفت: «دستت درد نکنه، چقدر قشنگ می‌خونه». افشین خودش باور نمی‌کرد که یک پول شام حساب‌کردن به اینجا منجر شود. افشین وقتی که «زمستان» را خواند به یک چهره بدل شد. ما را در ملاقات بانوی سالخورده و گت‌وگوی شبانه خیلی می‌ترساند.

ﻻ گروتسک آثار مروژک چقدر به نظام بسته کمونیستی لهستان ربط پیدا می‌کند؟

این سبک پیش از مروژک هم بوده؛ مثلا کاکافا یکی از نویسندگانی است که گروتسک را در آثارش نمایان ساخته و حتی پیش از او در روسیه گوگول از آن استفاده کرده است. بنابراین مروژک به این پشتوانه ادبی تکیه کرده است. اما در عین حال نظام‌های بسته کمونیستی هم به بلوک شرق در ایجاد فضای رعب‌آور-بی‌تأثیر نبوده‌اند و شاید این نیز دلیلی است برای ایجاد فضای هولناک که تداعی‌گر گروتسک است. در عین حال مروژک علیه هیچ ناگهی‌توهین نمی‌کند و از انسان و اقتدار انسانی می‌گوید.

ﻻ اخیرا «پلیس» را مهدی صناعتی در تالار فائوس اجرا کرده بود و شما هم آن را دیده‌اید، چه نظری درباره این اجرا دارید؟

«پلیس» یکی از نمایش‌نامه‌های جذاب مروژک است که در سال ۱۹۵۸ آن را نوشته و نخستین نمایش‌نامه‌اش به حساب می‌آید و پیش از آن قصه نوشته و کاریکاتور کشیده است. او به جریان‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌پردازد و نگاهش تمثیلی است. او رو به آینده حرکت می‌کند و در «پلیس» جهوب‌های می‌نویسد که در آن لهستان هم دیده می‌شود. اما در اجراهای جوانان بهتر است که وقتی کسی کارگردانی می‌کند خودش از بازی پرهیز کند. شاید این نقد بر خود من هم وارد باشد اما جداگانه بازی خودم را انجام می‌دهم و بعد به تمرین بازیگران می‌پردازم. این هم سال‌ها تجربه می‌خواهد که پشت‌سر گذاشته‌ام. اما بازیگر جوان که نقش اصلی را هم بازی می‌کند، چگونه می‌تواند هم خودش و هم دیگران را ببیند و هدایت کند. همچنین در ترجمه، شتابزدگی معلوم است و ای کاش با وسواس بشود ترجمه کرد.